

## The study of the impact of teaching philosophy to children on nurturing their research spirit among the preschool students

Zohre Jafari, Parvin Samadi, Yahya Ghaedi

<sup>1</sup>student of curriculum planning, Department of Educational Sciences, Azzahra University, Tehran, Iran

<sup>2</sup>Associate Professor, Department of Educational Sciences, Azzahra University, Tehran, Iran

Associate Professor, Philosophy of Education, Tarbiatmoalem University, Tehran, Iran

## بررسی تأثیر آموزش فلسفه به کودکان بر پرورش روحیه پژوهشگری کودکان دوره پیش دبستانی

زهره جعفری، پروین صمدی\*، یحیی قانعی

<sup>۱</sup>دانش آموخته برنامه‌ریزی درسی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

<sup>۲</sup>دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

دانشیار گروه فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه تربیت معلم، تهران، ایران

### Abstract

the present communities, likewise in Iran, the present study was carried out with the aim of studying the impact of teaching philosophy to the children on nurturing the research spirit among the preschool students. The semi-experimental method of the immediate post-test type along with a control group was applied in this research. The statistical population of this research consisted of 12 preschool students in a kindergarten in Tehran and the statistical sample (6 people) were selected purposefully as the experimental group. The experimental group received 15 sessions of philosophy teaching and in the last session, both the experimental group and the control group were filmed. The video, then, was given to 5 experts in order to reply to the respective questionnaires (Ranking students based on their research spirit). The Collected data, using descriptive statistical methods (Frequency Distribution Table, Graph of a frequency distribution, Dispersion and central indices) were analyzed. The parametric t-test for two independent groups (Due to distanced scale measurement, normality of the distribution, and existence of two independent groups) and non-parametric Mann-Whitney U test were, also, used for testing the research hypotheses. What being indicated from the findings was that that teaching philosophy to children not only has a great impact on the students' cognition (curiosity, question making, reasoning, critical thinking, creativity, interest in experimenting and experiencing) but also has a high effect on their emotion (interest in clarity, enthusiasm, partnership, independence, self-assurance, self-assertion). In general, implementation of this program has had a great impact on the research spirit of these children.

**Keywords:** The program of philosophy education for children - Research spirit - Preschool

### چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر آموزش فلسفه به کودکان بر پرورش روحیه پژوهشگری کودکان دوره پیش دبستانی به انجام رسید. این پژوهش با روش نیمه آزمایشی از نوع پس آزمون محض همراه با گروه کنترل انجام شد. جامعه آماری این پژوهش شامل ۱۲ نفر دانش‌آموز دوره پیش دبستانی یک مهد کودک در شهر تهران بود که نمونه آماری (۶ نفر) به صورت هدفمند به عنوان گروه آزمایشی انتخاب شدند. گروه آزمایشی به مدت ۱۵ جلسه تحت آموزش فلسفه به کودکان قرار گرفتند و جلسه آخر کلاس گروه آزمایشی و گروه کنترل فیلمبرداری شد و فیلم این دو گروه در اختیار ۵ کارشناس قرار گرفت تا از طریق مشاهده فیلم‌ها به پرسشنامه مورد نظر (فهرست درجه بندی رفتار کودکان (روحیه پژوهشگری) پاسخ دهند. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از روش‌های آمار توصیفی (جدول توزیع فراوانی، نمایش هندسی توزیع فراوانی، شاخص‌های مرکزی و پراکندگی) مورد توصیف قرار گرفت و برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از آزمون پارامتری t مربوط به دو گروه مستقل (به دلیل فاصله‌ای بودن مقیاس اندازه‌گیری، بهنجار بودن توزیع، وجود دو گروه مستقل) و آزمون بی پارامتری U من وایت نی (به دلیل بهنجار نبودن توزیع فراوانی) استفاده شد. نتایج نشان داد که آموزش فلسفه به کودکان بر پرورش بعد شناختی (کنجکاوی، پرسشگری، استدلال کردن، تفکر انتقادی، خلاقیت، علاقه به آزمایش و تجربه) و بعد عاطفی (علاقه به نظم و ترتیب، اشتیاق، مشارکت جویی، استقلال رای، اعتماد به نفس، ابراز وجود) روحیه پژوهشگری کودکان دوره پیش دبستانی تأثیر دارد و به طور کلی اجرای این برنامه بر پرورش روحیه پژوهشگری این کودکان تأثیر گذار بوده است.

**واژگان کلیدی:** برنامه آموزش فلسفه به کودکان، روحیه پژوهشگری، دوره پیش دبستان

## مقدمه

لیپمن (Matthew Lipman) نخستین کسی است که برنامه آموزش فلسفه به کودکان را در سال ۱۹۶۹ پایه گذاری کرد. (Gharamaleki, 2005) فلسفه برای کودکان، موضوع تازه‌ای است که بیش از چهار دهه از طرح آن نمی گذرد. این موضوع با نام‌های گوناگونی همچون فلسفه برای کودکان (Philosophy for children (P4C)، فلسفه با کودکان ((Philosophy with children (PWC)، فلسفه و کودک (Philosophy and children (PAC) و ... شناخته شده است (Prysprsn quoted by Sharifi asadi, 2008).

طراحان این برنامه و بسیاری دیگر از اندیشمندان این عرصه، بر این عقیده‌اند که فلسفه برای کودکان برنامه‌ای برای افزایش مهارت تفکر نقاد و خلاق در درک مسائل فلسفی نزد کودکان است. این برنامه در پی جریانی است که پرسیدن و به عبارتی فلسفیدن را به کودکان آموزش می‌دهد. (Ghaedi, 2004).

فلسفه برای کودکان از برنامه‌های آموزشی است که این امکان را فراهم می‌آورد تا کودکان و نوجوانان افکار پیچیده خود را شکل دهند. از این رهگذر، استدلال، تفکرات انتقادی و خلاقانه و نوع دوستی آنها نیز زیاد می‌شود. این برنامه نظام‌مند و تدریجی است که بیشتر برای کار بر روی کودکان ۴ تا ۱۸ سال طراحی شده است (Accorinti, 2005). فلسفه برای کودکان هدف‌های شناختی روشنی دارد؛ ذهن را وادار به عمل می‌کند، این کار را از طریق چالش‌های تفکر اصولی و تعامل ساختاری انجام می‌دهد. به علاوه، این برنامه هدف اجتماعی نیز دارد و آن آموزش فرایند تصمیم‌گیری دموکراتیک است. لیپمن و همکاران او ادعا می‌کنند که تفکر فلسفی به معنی صرف تفکر و استدلال نیست، بلکه مستلزم تفکر درباره تفکر است. لیپمن با در نظر گرفتن ویژگی‌های تفکر فلسفی، در واقع محورهای اصلی آموختن فلسفه به کودکان را برای خود مشخص کرده است. اگر کودکان بیاموزند که به بررسی سازو کار افکار بپردازند، تناظر آنها را با شواهد جست و جو کنند، مفروضاتشان را بکاوند، در پی جایگزین کردن مفروضات بدیل و سنجیدن تأثیر آنها باشند و روابط آنها را با

فعالیت‌های روزمره بررسی کنند، آنگاه تفکر فلسفی را هر چند در سطوح پایین آن آموخته‌اند (Ghaedi, 2006). دانش‌آموزان سرمایه‌های عظیم جامعه به شمار می‌روند و تک تک آنها در آینده می‌توانند منشأ اثر باشند و در سرنوشت کشور در سطح منطقه و جهانی تأثیر بگذارند. از آن جایی که جهان در هزاره سوم، با تغییرات گسترده‌ای روبه‌رو است، این تغییرات با سرعت روز افزونی تمامی عرصه‌های زندگی بشری را تحت تأثیر قرار داده است. در جهانی این چنین متحول گام برداشتن در مسیر ترقی و کمال به گونه‌ای که تضمین کننده جایگاه درخور ایران به عنوان یک کشور پیشتاز در عرصه انقلاب‌های علمی باشد، بیش از هر چیز در گرو عطف توجه به پژوهش علمی، تحقیق و توسعه آن در جامعه است. تا جایی که شاخص‌های موجود نشان دهنده وجود یک رابطه مستقیم میان میزان اهتمام جوامع به تربیت انسان‌هایی پژوهشگر با رشد و بالندگی در عرصه علوم و دانش دارد و این مسئولیت خطیر در هر کشوری بر عهده نظام آموزشی آن جامعه است (Rezapoor, 2001). بنابراین، پرورش دانش‌آموختگان واجد توانمندی‌های شناختی و گرایش‌های عاطفی برای پژوهش و نوآوری، آرمان همه نظام‌های آموزشی دنیاست. در کشور ما نیز ایجاد تحول و جنبش در این زمینه یک ضرورت و عزم ملی تلقی شده است (Pashasharifi&mehrinejad, 2005) به هر حال آن چه مسلم است این است که باید نسل جست و گر و پژوهشگر را در طول سال‌های آموزش عمومی و عالی پرورش داد. حال با توجه به این که پایه‌های پژوهشگری و حس کنجکاو در همان اوایل دوران تحصیل (دوران پیش دبستانی و ابتدایی) بنیان گذاری می‌شود، لذا ضروری است که این آموزش‌ها از همان دوران پیش دبستانی و ابتدایی صورت پذیرد. لیکن انتظار می‌رود که دوره پیش دبستان، کودکان را برای موفقیت‌های تحصیلی در آینده آماده کند، آنان را افرادی اجتماعی بار بیاورد و برای سازگاری با جوامع فرهنگی و متنوع خود مهیا سازد، به آنان یاد دهد تا بر محرومیت‌های محیطی فائق آیند و سرانجام این که استعداد‌های عاطفی خود را برای روبه‌رو شدن با موقعیت‌های مختلف و روش حل مسأله به کارگیرند تا انسان‌هایی خلاق پرورش دهند. لیکن سنجش آموزش و

اندیشه های نو، درگیری عاطفی در کار و حل مسأله، تفکر شهودی، تفکر انتقادی، انگیزه پیشرفت بالا، علاقه به نظم و ترتیب در کارها، قدرت ابراز وجود، استقلال رای، خودآغازگری، اعتماد به نفس، مشارکت جویی، درگیری با مسائل دشوار، هم فکری نمودن، اشتیاق، آسودگی و آرامش خیال، عدم خودخواهی، کنجکاوی، جستجوگری و عدم محافظه کاری (tashman&Nadler, 1986)؛ Stine, 1974؛ (Janson, 1992). Schwab, 1966؛

حال با توجه به این که گروه مورد آزمایش در این تحقیق کودکان دوره پیش دبستانی هستند و از طرفی، برخی از مؤلفه‌ها با یکدیگر همپوشی دارند، متناسب با این گروه سنی مؤلفه‌های زیر انتخاب شده، منظور محقق از روحیه پژوهشگری دارا بودن مؤلفه‌های زیر است:

۱- کنجکاوی (Curiosity): منظور از کنجکاوی اشتیاق برای دانستن، پرسش کردن، پیش‌قدم شدن برای حل مسأله و تحقیق کردن است که می‌توان از مصادیق آن به این مورد اشاره نمود که وقتی یک شیء در اختیار دانش‌آموز قرار می‌گیرد، آن را از ابعاد مختلف مورد بررسی قرار می‌دهد.

۲- استدلال کردن (Reasoning): ارائه دلیل منطقی برای هر بحث یا ارائه دلیل برای موافقت‌ها و مخالفت‌ها

۳- خلاقیت (Creativity): توانایی بیان یک ایده اساسی یا ابداع یک چیز منحصر به فرد به عنوان مثال تکمیل یک داستان نیمه تمام به شکل منطقی، ارائه نظر جدید، حدس زدن، پیش‌بینی کردن

۴- اعتماد به نفس (Self-Confidence): خود را باور داشتن، باور به توانایی و قابلیت خود در عمل کردن، باور به توانایی خود در ایجاد ارتباطی معنادار مانند این که دانش‌آموز اعتقاد دارد که از عهده وظایفی که به او محول می‌شود بر می‌آید و جرأت در ابراز وجود و ارائه نظر شخصی

۵- تفکر انتقادی (Critical thinking): تفکر انتقادی

تمایل فرد به بررسی مجدد روش‌های استفاده شده، اصلاح اندیشه‌ها و عملکردها را نشان می‌دهد. مانند ابراز مخالفت‌ها با ارائه دلیل و منطق

پرورش در دوره پیش از دبستان در این کشور نشان می‌دهد که برنامه‌های درسی این دوره نه کودک محور هستند و نه لزوماً به رشد کلی کودک می‌انجامد (Mofidi, 2010). لذا می‌توان از طریق برنامه‌های درسی مناسب بنیان‌های اصلی پرورش روحیه پژوهشگری را ایجاد نمود و مشکلات عدیده دانش‌آموزان در مقاطع تحصیلی عالی‌تر مبنی بر عدم داشتن روحیه پژوهشگری را مرتفع نمود. با توجه به این که این تغییر و دگرگونی باید از طریق یک برنامه درسی جدید در مقاطع پایین تحصیلی رخ دهد و از طرفی هم برنامه آموزش فلسفه به کودکان به عنوان پارادایمی جدید در عرصه تعلیم و تربیت، با رویکردی پژوهش محور و با اهداف پرورش تعقل، خلاقیت، پرورش تکاملی، مفهوم یابی از تجربه و پرورش درک اخلاقی بنیان گذاری شده است (Ghaedi, 2004) آموزش مهارت‌های فلسفی در مورد کودکان، حتی پیش از ورود به دبستان را ممکن تلقی می‌کند (Marashi&Safamoghadam, 2010) و با ایجاد فرصت کاوشگری جذاب پیرامون موضوعاتی که ذهن کودک را درگیر ساخته، علاوه بر پرورش قدرت تفکر و تعمق روی مسائل، منجر به تفکر تأملی، داوری مستدل، تفکر مشارکتی، احساس کفایت در تولید و پرورش ایده‌ها و مسؤلیت پذیری اخلاقی شده و مانع از احساس حقارت کودک می‌شود (Hedayati&Ghaedi, 2010).

پژوهشگری تحت تأثیر دو بعد شناختی و عاطفی است. در بعد شناختی باید توانایی خلاقیت، حل مسأله تفکر انتقادی را بیش از قدرت حافظه و به خاطر سپاری دانش‌ها و اطلاعات بارور نماییم و در بعد عاطفی باید طوری محیط، به ویژه محیط آموزشگاهی را تدارک دهیم که رغبت و انگیزه برای پژوهشگری را بیش از حجیم نمودن حافظه افزایش یابد؛ وگرنه در مقابل رقابت دنیای کنونی در نوآوری و ابداع و همچنین پیچیدگی اجتماعات امروزی، نسل توانمند نخواهیم داشت. (Mehrinejad, 2005) بسیاری از صاحب نظران، شاخص‌های زیر را جزو مؤلفه‌های پژوهشگری می‌دانند:

علاقه به آزمایش و تجربه، پشتکار، توجه جدی به جزئیات محیط، علاقه به مسائل جاری زندگی، درگیری در تصمیم‌گیری، پرسشگری، نوآوری، خلاقیت، ابراز

گروه کنترل فقط تحت آموزش‌های مربوط به دوره پیش دبستانی بودند. در این پژوهش، آموزش فلسفه به کودکان به عنوان عامل تجربی طی ۱۵ جلسه ۳۰ دقیقه‌ای بر روی گروه آزمایشی اجرا گردید که از تمامی جلسات آموزش فیلم‌برداری به عمل آمده است. در جلسه اول به دانش‌آموزان یاد داده شد که هر کسی که می‌خواهد صحبت کند و نظرش را بیان نماید باید اجازه بگیرد و هنگامی که دیگران صحبت می‌کنند فقط با دقت گوش کند. در جلسات اول از اجبار کردن برخی کودکان به صحبت و ابراز نظر پرهیز شد و در چند جلسه بعدی تمامی دانش‌آموزان در بحث شرکت می‌کردند. در هر جلسه پاراگرافی از کتاب داستان بیمارستان عروسک‌ها توسط محقق خوانده و از دانش‌آموزان خواسته می‌شد اگر نظری دارند یا سؤالی برایشان مطرح شده و یا فکری به ذهنشان می‌رسد، با گرفتن اجازه بیان کنند و معمولاً سعی می‌شد که دانش‌آموزان بر روی نظرات دوستانشان بحث کنند و اظهار نظر نمایند. در برخی از جلسات از دانش‌آموزان خواسته می‌شد که فکر خودشان را به صورت نقاشی بیان کنند و در مورد آن با دوستانشان بحث نمایند و در برخی از جلسات نیز به مقتضای سنی این گروه از تویی به عنوان بازی در مباحث استفاده می‌گردید، به طوری که شخصی که می‌خواست صحبت کند توپ به سمت او پرتاب می‌شد و به همین ترتیب بحث بین آنها جریان داشت. جلسه پانزدهم به عنوان جلسه پس از آزمون گروه آزمایشی و جلسه آخر آموزش دوره پیش دبستانی به عنوان پس از آزمون گروه کنترل در نظر گرفته شد که از هر دو جلسه فیلم‌برداری شده است. سپس از یک پرسشنامه محقق ساخته تحت عنوان فهرست درجه بندی رفتار کودکان استفاده شده است که این پرسشنامه بر اساس پیشینه نظری و پیشنهاد صاحب نظران مبنی بر مؤلفه‌های روحیه پژوهشگری تنظیم شده و شامل ۱۲ مؤلفه است که هر مؤلفه نیز دارای یک طیف نمره گذاری بین ۰ تا ۵ می‌باشد. این ۱۲ مؤلفه به شرح زیر است:

- ۱- کنجکاوی ۲ - پرسشگری ۳ - استدلال کردن ۴ - تفکر انتقادی ۵ - علاقه به آزمایش و تجربه ۶ - علاقه به

۶ - اشتیاق (Enthusiasm) شور و طراوت و اشتیاق وافر به یک موضوع یا علت و سعی و تلاش و کوشش برای رسیدن به آن. مانند این که وقتی داستانی برای کودک خوانده می‌شود، با میل و رغبت در فعالیت مورد نظر شرکت می‌کند.

۷ - همکاری و مشارکت (Cooperative) تمایل به کار با دیگران و مشارکت در گروه

۸ - استقلال رای (Autonomy) میل خود رهبری و اتکاء به خود. مانند تأکید بر نظرات خود

۹ - پرسشگری (Asking) پرسیدن سؤالات مناسب از خود و دیگران برای فهمیدن دقیق‌تر مطالب

۱۰ - علاقه به آزمایش و تجربه (Interest in

experiment and experience) مانند ارائه مثال و نمونه

۱۱ - علاقه به نظم و ترتیب (Interest in clarity) مانند گرفتن اجازه به هنگام صحبت و گوش کردن فعال به دیگران

۱۲ - ابراز وجود (Self-assertion) مانند ارائه نظرات و نمایش خود به عنوان عضوی فعال و مفید

با در نظر گرفتن مطالب فوق، محقق در پژوهش حاضر سعی دارد تا به این مطلب بپردازد که آیا آموزش فلسفه به کودکان می‌تواند بر پرورش روحیه پژوهشگری کودکان دوره پیش دبستانی تأثیر بگذارد یا خیر.

### روش پژوهش

پژوهش حاضر به دنبال بررسی تأثیر آموزش فلسفه به کودکان بر پرورش روحیه پژوهشگری در دانش‌آموزان دوره پیش دبستانی است. در این تحقیق از روش نیمه آزمایشی از نوع پس از آزمون محض همراه با گروه کنترل استفاده شده است. جامعه آماری این تحقیق تعداد ۱۲ نفر دانش‌آموز دوره پیش دبستانی در مهد کودکی واقع در منطقه ۵ تهران در سال تحصیلی ۹۱ - ۹۰ بوده و نمونه‌گیری به صورت هدفمند صورت گرفته است. به این ترتیب که از بین ۱۲ نفر دانش‌آموز دوره پیش دبستانی ۶ نفر به عنوان گروه آزمایشی انتخاب شدند که علاوه بر آموزش‌های مربوط به دوره پیش دبستانی تحت آموزش فلسفه به کودکان به عنوان عامل تجربی قرار گرفتند و ۶ نفر باقی مانده به عنوان

فیلم فقط رفتار یک آزمودنی را مورد مشاهده قرار دهند و نتیجه مشاهدات خود را در مورد هر عامل (مؤلفه) بر روی برگه‌ای چک نویس علامت گذاری کنند و در پایان بر اساس علامت‌های گذاشته شده به هر عاملی نمره بین ۰ تا ۵ را دهند. سپس وقتی که هر کارشناس رفتارهای آزمودنی‌های هر دو گروه را در فرم‌های خود ثبت کرد، فرم‌های تکمیل شده از آنها دریافت گردید و در مرحله بعد به روشی که در بخش نمره گذاری به آن اشاره خواهد شد، نمره هر آزمودنی در هر عامل تعیین شد و همچنین به منظور تعیین اعتبار فهرست درجه بندی رفتار کودکان به روش آلفای کرنباخ عمل شد که شاخص‌های محاسبه شده مربوط به آن به شرح جدول شماره ۱ است.

همان طور که ملاحظه می‌شود، ضریب اعتبار همسانی درونی فهرست درجه بندی سنجش روحیه پژوهشگری کودکان برابر ۰/۹۸ است. بالا بودن ضریب اعتبار حاکی از این است که بین مجموعه سؤال‌های تشکیل دهنده این مقیاس همسانی درونی بالایی وجود دارد. وجود همسانی درونی بالا شهادتی بر روایی سازه مقیاس است. بدین معنی که مجموعه سؤالات تشکیل دهنده مقیاس خصیصه واحدی را مورد سنجش قرار می‌دهد و هر یک از این سؤال‌ها در سنجش خصیصه مذکور (روحیه پژوهشگری) سهمی را بر عهده دارند. بنابراین می‌توان از این ابزار برای سنجش روحیه پژوهشگری کودکان استفاده به عمل آورد.

نظم و ترتیب ۷ - اشتیاق ۸ - مشارکت جویی ۹ - استقلال رای ۱۰ - خلاقیت ۱۱ - اعتماد به نفس ۱۲ - ابراز وجود فهرست درجه بندی رفتار کودکان دارای روایی محتوایی است. زیرا برای ساخت آن به روش زیر عمل شده است: اولاً روحیه پژوهشگری تعریف شده است، ثانیاً مؤلفه‌های روحیه پژوهشگری به استناد پیشینه‌های نظری مطرح شده در فصل دوم مشخص شده‌اند، ثالثاً شاخصه‌ها و مصادیق مربوط به هر مؤلفه پس از مطالعه و گفتگو با افراد متخصص تعیین شده است. با توجه به این موارد، این فهرست دارای روایی محتوایی است و اعتبار این پرسشنامه به دو بخش اعتبار مشاهدات و اعتبار فهرست درجه بندی رفتار کودکان تقسیم شده است. به منظور بالا بردن اعتبار مشاهدات از کارشناسان متعدد استفاده کمک گرفته شد. به این صورت که ابتدا از ۵ کارشناس که ۲ نفر از آنها دارای تحصیلات کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی، ۱ نفر کارشناسی ارشد تکنولوژی آموزشی، ۱ نفر کارشناسی ارشد تعلیم و تربیت و ۱ نفر کارشناس مدیریت آموزشی بودند، دعوت به عمل آمد. سپس کارشناسان در جریان نحوه نمره گذاری به فهرست درجه بندی رفتار کودکان قرار گرفتند، بعد از اطمینان از آگاهی و تسلط کارشناسان بر نحوه نمره گذاری بر مشاهده فیلم از آنان خواسته شد که به طور جداگانه فیلم پس از آزمون دو گروه کنترل و آزمایشی را مورد مشاهده قرار دهند. به این صورت که در هر دفعه از رویت

جدول ۱ - شاخص‌های اعتبار به معنای همسانی درونی مربوط به فهرست درجه بندی سنجش روحیه پژوهشگری کودکان به روش آلفای کرنباخ

نام مقیاس	تعداد آزمودنی	تعداد سؤال	شماره سؤال‌ها	همبستگی سؤال با کل مقیاس		ضریب اعتبار
				حداقل	حداکثر	
روحیه پژوهشگری	۱۲	۱۲	۱ تا ۱۲	۰/۷۵	۰/۹۸	۰/۹۸
روحیه پژوهشگری بعد شناختی	۱۲	۶	۱-۲-۳-۴-۵-۱۱	۰/۷۷	۰/۹۷	۰/۹۵
روحیه پژوهشگری بعد عاطفی	۱۲	۶	۲-۷-۸-۹-۱۰-۱۲	۰/۹۱	۰/۹۹	۰/۹۸

## یافته‌های پژوهش

به منظور بررسی تأثیر آموزش فلسفه به کودکان بر پرورش روحیه پژوهشگری کودکان دوره پیش دبستانی در پژوهش حاضر، هر پرسشنامه در مورد یک دانش آموز توسط کارشناسان مختلف کامل گردید.

این پرسشنامه به عنوان ابزار تحقیق به همراه دو فیلم پس از آزمون گروه آزمایشی و کنترل در اختیار ۵ کارشناس قرار داده شد و پس از آموزش به این کارشناسان از آنان خواسته شد که به این فرم‌ها پاسخ دهند. برای مشخص کردن نمره هر آزمودنی در هر عامل، ابتدا نمره داده شده توسط کارشناسان به عامل مورد نظر استخراج شد، سپس مجموع نمره‌های کارشناسان با یکدیگر جمع شد و در مرحله بعد مجموع نمره‌ها بر تعداد کارشناسان تقسیم و نتیجه (میانگین) به دست آمده با تقریب ۰/۵ گرد شده و به عنوان نمره آزمودنی در عامل مورد نظر در نظر گرفته شد. داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از روش‌های آمار توصیفی مورد توصیف قرار گرفت و برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از آزمون پارامتری  $t$  مربوط به دو گروه مستقل و از آزمون بی پارامتری  $U$  من وایت نی استفاده به عمل آمد که چگونگی آن به این شرح است: فرضیه اول پژوهش: آموزش فلسفه به کودکان بر پرورش بعد شناختی روحی پژوهشگری کودکان دوره پیش دبستانی تأثیر دارد.  $H_0: \mu_1 = \mu_2$

شاخص‌های ارائه شده در آمار توصیفی نشان می‌دهد

که بین میانگین نمره روحیه پژوهشگری بعد شناختی کودکان گروه آزمایش (۱۸/۱۷) و کنترل (۲/۱۷) تفاوت مشاهده می‌شود. برای آزمون معنادار بودن تفاوت مشاهده شده از آزمون بی پارامتری  $U$  من وایت نی استفاده به عمل آمد که چگونگی آن در جدول شماره آمده است.

چون مقدار  $Z$  محاسبه شده از مقدار  $Z$  مبین در سطح ۹۵٪ (۱/۹۸) بزرگتر است، فرض صفر رد می‌شود. رد فرض صفر بدین معنی است که آموزش فلسفه به کودکان به طور معناداری بر پرورش بعد شناختی روحیه پژوهشگری کودکان گروه آزمایش تأثیر دارد.

فرضیه دوم پژوهش: آموزش فلسفه به کودکان بر پرورش بعد عاطفی روحیه پژوهشگری کودکان دوره پیش دبستانی تأثیر دارد.  $H_0: \mu_1 = \mu_2$

شاخص‌های ارائه شده در آمار توصیفی نشان می‌دهد بین میانگین نمره روحیه پژوهشگری بعد عاطفی کودکان گروه آزمایش (۲۴/۸۳) و کنترل (۸/۱۷) تفاوت مشاهده می‌شود. برای آزمون تفاوت مشاهده شده از آزمون پارامتری  $t$  مربوط به دو گروه مستقل استفاده به عمل آمد که چگونگی آن در جدول شماره ۳ آمده است.

چون مقدار  $t$  محاسبه شده از مقدار  $t$  مبین در درجه آزادی با اطمینان ۹۵٪ (۲/۲۲۸) بزرگتر است، فرض صفر رد می‌شود. رد شدن فرض صفر بدین معنی است که آموزش فلسفه به کودکان به طور معنادار بر پرورش بعد عاطفی روحیه پژوهشگری کودکان گروه آزمایش تأثیر دارد.

جدول ۲ - شاخص‌های آزمون  $U$  من وایت نی برای مقایسه میانگین‌های روحیه پژوهشگری بعد شناختی

شاخص گروه	تعداد	میانگین رتبه‌ها	مجموع رتبه‌ها	مقدار محاسبه شده $U$ من وایت نی	مقدار $Z$ محاسبه شده	سطح معنادار بودن
آزمایش	۶	۹/۵	۵۷	۰	-۲/۹۰۸	$P < ۰/۰۵$
کنترل	۶	۳/۵	۲۱			

جدول ۳ - شاخص‌های آزمون t مربوط به دو گروه مستقل برای مقایسه میانگین‌های روحیه پژوهشگری بعد عاطفی

آزمون t برای مقایسه یکسانی میانگین‌ها			آزمون لیونز برای یکسانی واریانس‌ها		انحراف معیار	میانگین	تعداد	شاخص گروه
سطح معنادار بودن	درجه آزادی	مقدار t محاسبه شده	سطح معنادار بودن	مقدار F محاسبه شده				
P < ۰/۰۵	۱۰	۶/۷۳۶	۰/۴۲۲	۰/۷	۴/۹۵۶	۲۴/۸۳	۶	آزمایش
					۳/۴۸۸	۸/۱۷	۶	کنترل

جدول شماره ۴ - شاخص‌های آزمون t مربوط به دو گروه مستقل برای مقایسه میانگین‌های روحیه پژوهشگری

آزمون t برای مقایسه یکسانی میانگین‌ها			آزمون لیونز برای یکسانی واریانس‌ها		انحراف معیار	میانگین	تعداد	شاخص گروه
سطح معنادار بودن	درجه آزادی	مقدار t محاسبه شده	سطح معنادار بودن	مقدار F محاسبه شده				
P < ۰/۰۵	۱۰	۷/۶۷۶	۰/۴۰۲	۰/۷۶۶	۸/۷۴۱	۴۳	۶	آزمایش
					۵/۶۸	۱۰/۳۳	۶	کنترل

چون مقدار t محاسبه شده از مقدار t مبین در درجه آزادی با اطمینان ۹۵٪ (۲/۲۲۸) بزرگتر است، فرض صفر رد می‌شود. رد شدن فرض صفر بدین معنی است که آموزش فلسفه به کودکان به طور معنادار بر پرورش روحیه پژوهشگری کودکان گروه آزمایش تأثیر دارد.

#### بحث و نتیجه‌گیری

پرورش دانش آموختگان واجد توانمندی‌های شناختی و گرایش‌های عاطفی برای پژوهش و نوآوری، آرمان همه نظام‌های آموزشی دنیاست. در کشور ما نیز ایجاد تحول و

فرض سوم پژوهش: آموزش فلسفه به کودکان بر پرورش روحیه پژوهشگری کودکان دوره پیش دبستانی تأثیر دارد.  $H_0: \mu_1 = \mu_2$

شاخص‌های ارائه شده در آمار توصیفی نشان می‌دهد که بین میانگین نمره روحیه پژوهشگری کودکان گروه آزمایش (۴۳) و کنترل (۱۰/۳۳) تفاوت مشاهده می‌شود. برای آزمودن تفاوت مشاهده شده از آزمون پارامتری t مربوط به دو گروه مستقل استفاده به عمل آمد که چگونگی آن در جدول شماره ۴ آمده است.

است و برخی از مهمترین مهارت‌های آن شامل کاوشگری فلسفی، کاوشگری علمی، کاوشگری اخلاقی و کاوشگری اجتماعی می‌شود، هم‌خوانی دارد. همچنین نتایج پژوهش براتی (Barati, 2008) و مرعشی (Marashi, 2008) و جهانی (jahani, 2007) این مطلب را تصدیق می‌کنند که فلسفه برای کودکان به رشد مهارت‌های فکری و استدلال در کودکان کمک شایانی کرده است که با این پژوهش همسو هستند. نتایج پژوهش رمضان‌پور (Ramezanpoor, 2008) تأکید می‌کند که این برنامه آموزشی بر مهارت‌های قانون، خودآگاهی، اعتماد به نفس، کنترل هیجانات و حل تعارضات دانش‌آموزان تأثیر مثبت می‌گذارد که با پژوهش حاضر همسویی دارد. پژوهش ناجی و قاضی زاده (Naji & Ghazi zaeh, 2007) نشان دهنده این مطلب است که این برنامه تأثیرات زیادی بر قدرت استدلال، قدرت تمیز، دوری، اعتماد به نفس، دقت در محیط و توجه به آرای دیگران و موفقیت‌های تحصیلی، مهارت‌های اجتماعی شامل فعالیت‌ها و تفکر جمعی، گفت و گو و دیالوگ برای کشف یک واقعیت، مشورت با دیگران هنگام ناتوانی برای حل مسأله و خود اصلاحی، احترام به دیگران و ایجاد تواضع، مدارا، پشتکار و... دارد که با نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر هم‌خوانی دارد. تحقیق اکورینتی (Accorinti, 2005) بیان می‌کند که از رهگذر آموزش فلسفه به کودکان استدلال، تفکرات انتقادی، خلاقانه و نوع دوستی کودکان زیاد می‌شود و تأییدی بر پژوهش انجام شده است. تریکی (Trickey, 2004) و دی جی کمپی (DJ kamhy, 2004) در تحقیقاتی مشابه به این نتایج رسیدند که فلسفه چگونه پرسیدن را به کودکان می‌آموزد و پرسش باعث تحریک آنها به فکر کردن می‌شود. مباحث فلسفه بر بهبود مهارت‌های خواندن، استدلال و توانایی‌های شناختی کودکان تأثیر دارد و مباحث فلسفی بر اعتماد به نفس کودکان اثر مثبت می‌گذارد که این همسو با نتایج به دست آمده از این پژوهش است.

در پایان، با عنایت به یافته‌های حاصل از این پژوهش و پژوهش‌های همسو، می‌توان از این برنامه به عنوان یک برنامه جدید در جهت دستیابی به آموزش پژوهش - محور و پرورش روحیه پژوهشگری در مقاطع پایین تحصیلی در

جنبش در این زمینه یک ضرورت و عزم ملی تلقی شده است. همچنین در آموزه‌های جدید تربیتی، بر آموزش و پرورش مبتنی بر پژوهش تأکید می‌شود و به جای ارائه دانش و مهارت‌های به شکل از پیش تعیین شده به دانش‌آموزان، معلمان باید تلاش کنند تا فرآیند یاددهی - یادگیری را به شکلی طراحی و پیش برند که دانش‌آموزان خود به تولید دانش دست بزنند. بر این اساس، یکی از روش‌های مهم، پرورش روحیه پژوهشگری در دانش‌آموزان است.

یکی از برنامه‌های آموزش پژوهش - محور برنامه آموزش فلسفه به کودکان است که اکنون در بیشتر کشورهای جهان به طور رسمی و غیر رسمی اجرا می‌شود. برنامه آموزش فلسفه به کودکان با اهداف پرورش تعقل، خلاقیت، پرورش تکاملی، مفهومیابی از تجربه و پرورش درک اخلاقی بنیان گذاری شده است و به دنبال جریانی است که پرسیدن را به کودکان آموزش می‌دهد و با نشان دادن پایان نیافتگی علم و با ایجاد روحیه کند و کاو و تحقیق در تمام زمینه‌های معرفتی علوم انسانی، آن را احیا کرده، کودکان را وادار به تحقیق می‌کند و از کودکی حل مسأله و تحقیق علمی را به آنها یاد می‌آموزد. هدف برنامه آموزش فلسفه به کودکان این است که آنان به انسان‌هایی متفکرتر، انعطاف پذیرتر، با ملاحظه‌تر و منطقی‌تر تبدیل شوند. فراگیری بسیاری از این مهارت‌ها و نیز ایجاد تمایل برای استفاده از این مهارت‌ها از طریق زبان و با ایجاد یک اجتماع پژوهشی یعنی جایی که کودکان به عنوان اقدامی مشارکتی به تبادل نظر با یکدیگر می‌پردازند، به بهترین شکل ممکن امکان پذیر است. لذا پژوهش حاضر به بررسی تأثیر آموزش فلسفه به کودکان بر پرورش روحیه پژوهشگری کودکان دوره پیش دبستانی پرداخته است که فرضیه‌های فرعی آن، این موضوع را اثبات می‌نمایند که آموزش فلسفه به کودکان بر پرورش بعد شناختی و عاطفی روحیه پژوهشگری کودکان دوره پیش دبستانی تأثیر دارد. نتایج این تحقیق با یافته‌های پژوهش قائدی (Ghaedi, 2009) مبنی بر این که مهمترین هدف‌های ویژه برنامه آموزش فلسفه به کودکان شامل پرورش توانایی استدلال و حرکت دادن دانش‌آموزان به سمت درک تخصصی از فلسفه



curriculum. Master's thesis, Payam Noor University, School of Education.

Lipman Matthew (1991). Thinking in Education. Cambridge University press.

Marashi Mansour & Rahiminasab Hojjatallah & Lesani Mahdi, (2008), Feasibility of philosophy education to children in the primary school curriculum. Quarterly Educational Innovations, Vol. 28, Winter 2008 7th year

Marashi Mansour & Safaei Moghadam Massoud,(2010), Effect of philosophy of education programs for children in the community through research, the development of moral judgment fifth grade elementary school students in Ahwaz. Two Quarterly Child and thinking, the first year the Vol.1

Mehri Nejad Seyyed AbulQasim, Sharifi Hassan Pasha (2005). Problem-based Teaching Effectiveness and Evaluation Indicators foster scholarly researchers. Educational Innovations, Vol. 14

Mehri Nejad Seyyed AbulQasim,(2005),Establish procedures for reviewing research strategies in students through the curriculum. Scheme Tehran, Ministry of Education, Institute of Curricula and educational innovations.

Malts, (1994), Models of Teaching , Prentice , Hall , International Inc.

Nagy Saeed & Ghazizadeh Parvaneh, (2008), Results of the Philosophy for Children program on reasoning skills and behavioral functioning of children. Journal of Curriculum Studies, Year II, Vol. 7, Winter 2008

Omi Zahra & gharaMaleki & Ahad Faramarz,(2005),Comparing Lippman and Bernie Fire styles in Philosophy for Children ,Quarterly Modern Religious Thought, Vol. 2, Fall 2005

Rameznpour Shiva ,(2008), Effects of social studies teaching philosophy for children in third grade on their citizenship skills, master's thesis, university, Faculty of Psychology and Educational Sciences.

Turans, (1985), science Education: primary school , Paul Chapman Publishing Ltd , London

Trickey S., (2004),philosophy and children , summery in the web. www. Philosophy for children (review of literature)

آموزش‌های رسمی و غیر رسمی کشور استفاده نمود و پیشنهاد می‌گردد که با توجه به نتایج و دست آوردهای مفید این برنامه، اصلاحاتی در ساختار و برنامه‌های آموزشی و پرورشی کشور صورت گیرد.

#### منابع

Accorinti Stella, (2005), Philosophy through curriculum summary in the web. www. Philosophy for children (review of literature)

Barati Marzieh, (2008), Teach philosophy and thinking in children (P4C). Creativity National Conference on Science, TRIZ and Innovation of Engineering and Management

Camhy DG,(2004), Teaching Thinking , Available at <http://www.Edu.uiue.Edu>

Fisher Robert, (2006), Teaching children to think. Translated by Safai Moghadam M. , Najarian Afsaneh. Tehran, publisher of Rasesh

Ghaedi Yahya,(2004), Teaching philosophy for children. Theoretical Study. Tehran: Publication Davavpen.

Ghaedi Yahya,(2009), Children in middle school and high school curriculum philosophy. Journal of Culture 69.

Ghaedi Yahya,(2006),Curriculum, teaching philosophy for children in elementary school. Conference on Innovation in primary school curriculum.

Ghaedi Yahya,(2007),Possibility of teaching philosophy for children: challenging the notion of philosophy. Curriculum Studies Quarterly, Year II, Vol. 7

Ghaedi Yahya & Hedayati Mehrnoosh, (2010), thoughtful Children, effective interpersonal "philosophy for children program of research on the effects on children's social relationships. Two Quarterly thinking and Child, the first year,Vol.1

Jahani Jafar ,(2007), Evaluate the effect of teaching philosophy for children in developing moral character of students. Quarterly curriculum, Second Year, Vol. 7

Jahani Jafar ,(2008),Teaching critical thinking in adolescents: research-oriented approach. New Thoughts of Education, No 4, Vol 3.

Khodayari Zahra ,(2009), Strategies for teaching reading to children through the